

[Time: Three Hours]

[Marks:100]

Please check whether you have got the right question paper.

- N.B:
1. All questions are compulsory.
 2. All questions carry equal marks.
 3. Figures to the right indicate marks to a sub-question.

Q1 Translate into English any TWO of the following passages:

20

(۱) آن زین زمان، آن رکن امان، آن امام شریعت و طریقت، آن ذوالجهدین، به حقیقت. آن امیر قلم و بلا رکن عبدالله مبارک، رحمة الله علیه او را شهنشاہ علما گفته اند، در علم و شجاعت خود نظیر نداشت، و از محتشمان اصحاب طریقت بود، و از محترمان ارباب شریعت، و در فنون علوم احوالی پسندیده داشت و مشایخ بزرگ را دیده بود و با همه صحبت داشته و مقبول همه بود و او را تصانیف مشهور است و کرامات مذکور. روزی می آمد سفیان ثوری گفت: تعال یا رجل المشرق، فضیل حاضر بود. گفت: والمغرب و ما بینهما، و کسی را که فضیل فضل نهد ستایش او چون توان کرد.

ابتدای توبه او آن بود که بر کنیزکی فتنه شد چنانکه قرار نداشت. شبی در زمستان در زیر دیوار خانه معشوق تا بامداد بایستاد به انتظار او.

(۲) نقل است که وقتی با بدخونی همراه شد چون از وی جدا شد عبدالله بگریست. گفتند: چرا می گری؟ گفت: آن بیچاره برفت و آن خوی بد همچنان با وی برفت و از ما جدا شد و خوی بد از وی جدا نشد.

نقل است که یک بار در بادیه میرفت و بر اشتری نشسته بود و به درویشی رسید و گفت ای درویش، ما توانگرانیم، ما را خوانده اند، شما کجا می روید که طفیلید. درویش گفت: میزبان چون کریم بود طفیلی را بهتر دارد، اگر شما را به خانه خویش خواند ما را به خود خواند. عبدالله گفت از ما توانگران وام خواست. درویش گفت: اگر از شما وام خواست برای ما خواست. عبدالله شرم زده شد و گفت راست می گویی.

(۳) نقل است که در حال حیات همه مال به درویشان داد. وقتی او را مهمانی آمد هر چه داشت خرج کرد، و گفت: مهمانان فرستادگان خدای اند، زن با وی به خصومت بیرون آمد. گفت: زنی که در

این معنی با من خصومت کند نشاید. کابین وی بداد و طلاق دادش. خداوند تعالی چنان حکم کرد تا دختری از مهترزادگان به مجلس وی آمد و سخن وی خوش آمدش، به خانه رفت. از پدر درخواست که مرا به زنی به وی ده، پدر پنجاه هزار دینار به دختر داد و دختری به زنی به وی داد، به خواب نمودندش که زنی را از بهر ما طلاق دادی اینک عوض. تا بدانی که کس بر ما زیان نکند. چون وقت وفاتش نزدیک شد همه مال خود به درویشان داد، مریدی بر بالین او بود.

Q2 Translate into English any TWO of the following passages: 20

(۱) چنین گوید ابومعین حمیدالدین ناصر خسرو القبادینی المروزی، تاب الله عنه، که: من مردی دبیر پیشه بودم و از جمله متصرفان در اموال و اعمال سلطانی، و به کارهای دیوانی مشغول بودم و مدتی در آن شغل مباشرت نموده در میان اقران شهرتی یافته بودم. در ربیع الآخر سنه سبع و ثلاثین و اربعمائه که امیر خراسان ابو سلیمان جعفری بیگ داود بن میکائیل بن سلجوق بود، از مرو برفتم به شغل دیوانی، و به پنج دیه مرو و رود فرود آمدم که در آن روز قران رأس و مشتری بود. گویند که هر حاجت که در آن روز خواهند، باری تعالی و تقدس روا کند. به گوشه ای رفتم و دو رکعت نماز بکردم و حاجت خواستم تا خدای تعالی و تبارک مرا توانگری دهد.

(۲) پنجم محرم سنه ثمان و ثلاثین و اربعمائه، دهم مرداد ماه سنه خمس عشر و اربعمائه از تاریخ فرس، به جانب قزوین روانه شدم و به دیه قوه رسیدم، قحط بود و یک من نان جو به دو درهم می دادند از آنجا برفتم، نهم محرم به قزوین رسیدم، باغستان بسیار داشت، بی دیوار و خار و هیچ مانعی از دخول در باغات نبود و قزوین را شهری نیکو دیدم، بارویی حصین و کنگره بر آن نهاده و بازارهایی خوب مگر آنکه آب دروی اندک بود و منحصر به کاریزها در زیر زمین و رئیس آن شهر مردی علوی بود و از همه صناعات که در آن شهر بود کفشگر بیشتر بود. دوازدهم محرم سنه ثمان و ثلاثین و اربعمائه از قزوین برفتم، به راه بیل و قیان که روستاق قزوین است.

(۳) باقی اندر آب دریا بود، و باره ای سنگین تراشیده و درزهای آن را به قیر گرفته تا آب دریا در

نیاید. و مساحت شهر را هزار در هزار قیاس کردم، و تیمه پنج شش طبقه بر سر یک دیگر، و فواره بسیار ساخته، و بازارهای نیکو و نعمت فراوان. و این شهر صور معروف است به مال و توانگری در میان شهر های ساحل شام، و مردمانش بیشتر شیعه‌اند. و قاضی بود آنجا مردی سنی مذهب، پسر ابو عقیل می گفتند مردی نیک و توانگر. و بر در شهر مشهدی راست کرده‌اند، و آنجا بسیار فرش و طرح و قنادیل و چراغدانهای زرین و نقره گین نهاده. و شهر بر بلندی است. و آب شهر از کوه می آید. و بر در شهر طاقهای سنگین ساخته‌اند، و آب بر پشت آن طاقها به شهر اندر آورده. و در آن کوه دره ای است مقابل شهر، که چون روی به مشرق بروند به هجده فرسنگ، به شهر دمشق رسند.

- Q3 Attempt any TWO of the following: 20
- Literary contributions of Hakim Nasir Khusrau to Persian Prose literature.
 - Biographical note on Shaikh Fariduddin Attar.
 - Seljuqian era and the development of Persian prose literature.
- Q4 Attempt any TWO of the following: 20
- Various forms of Persian prose literature.
 - Safarnamah writing in Persian.
 - Tazkerah writing and its development during Seljuqian period.
- Q5 Write short notes on any TWO of the following: 20
- Summarize 'سفرنامه ناصر خسرو'.
 - Summarise 'ذکر عبد الله مبارک'.
 - Writing style of Shaikh Fariduddin Attar.
 - Biographical sketch of Hakim Nasir Khusrau.